

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۰۶/۱۶

## سنجش کیفیت ذهنی زندگی در نواحی شهری (مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان)

دکتر احمد خادم الحسینی

استادیار گروه جغرافیا - دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد

حسین منصوریان

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری - دانشگاه تهران

محمد حسین ستاری

کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری - دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ملایر

### چکیده

نتایج حاصله نشان می‌دهد، حدود ۹,۷ درصد پاسخگویان در شهر نورآباد به طور کامل از کیفیت زندگی خود راضی و حدود ۲,۳ درصد کاملاً ناراضی هستند. حدود ۸۸ درصد پاسخگویان نیز دارای میزان رضایتی بین این دو حد بالا و پایین هستند. علاوه بر این فهمیده شد که کیفیت زندگی مفهومی چند بعدی است که توسعه کالبدی، رضایت از امکانات، سرمایه اجتماعی، بهزیستی ذهنی، محیط محلی و آرامش شهری ابعاد آن را در شهر نورآباد تشکیل می‌دهند و عامل بهزیستی نیز حدود ۳۵ درصد تغییرات آن را تبیین می‌کند.

کیفیت زندگی شهری یکی از مهمترین حوزه‌های مطالعات شهری در کشورهای مختلف است. این مهم به دلیل اهمیت روزافزون مطالعات کیفیت زندگی در پایش سیاست‌های عمومی و نقش آن به عنوان ابزاری کارآمد در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری است. کیفیت زندگی شهری معمولاً از طریق شاخص‌های ذهنی حاصل از پیمایش و ارزیابی ادراکات و رضایت شهروندان از زندگی شهری و یا با استفاده از شاخص‌های عینی حاصل از داده‌های ثانویه و به ندرت با استفاده از هر دو نوع شاخص‌ها اندازه گیری می‌شود. هدف مطالعه حاضر، سنجش کیفیت زندگی در شهر نورآباد با استفاده از شاخص‌های ذهنی است. داده‌های مورد نیاز با استفاده از پیمایش خانوارهای شهری در شهر نورآباد جمع آوری شده است. روش‌های آماری از قبیل تحلیل عاملی، تحلیل رگرسیون چندگانه، تحلیل واریانس یک طرفه و آزمون T برای سنجش کیفیت زندگی و تحلیل و ارزیابی روابط آن با برخی از خصوصیات فردی استفاده شده است.

**کلمات کلیدی:** کیفیت زندگی شهری، شاخصهای ذهنی،

شهر نورآباد

### ۱- مقدمه و طرح مسئله

در حال حاضر بیش از نیمی از جمعیت جهان در نواحی شهری زندگی می‌کنند و تا سال ۲۰۲۰ این رقم به حدود ۶۰

شاخص‌های ذهنی از پیمایش اداراکات، ارزیابی‌ها و رضایت ساکنین از زندگی شهری بدست می‌آیند، در حالیکه شاخص‌های عینی مربوط به حقایق قابل مشاهده هستند که غالباً از داده‌های ثانویه بدست می‌آیند. علاوه بر این، نظریه‌ها و مطالعات تجربی کیفیت زندگی به شکل امروزی آن عمدتاً از جوامع غربی نشأت گرفته‌اند. این مطالعات در کشورهای در حال توسعه به طور قابل توجهی کم هستند. همین‌طور، فاکتورهای عمده تاثیرگذار بر کیفیت زندگی مردم در شهرهای کشورهای در حال توسعه به طور واضح شناسایی نشده‌اند.

شهرنشینی در کشور ما به سرعت در حال رشد است و بر اساس نتایج سرشماری جمعیت در سال ۱۳۸۵، بیش از ۶۸ درصد آن شهری است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵: ۱). این در حالی است که در حدود یک سده‌ی پیش بنا به محاسبه باری (۱۳۶۳) تنها ۱۰ درصد از جمعیت کشور در شهرها سکونت داشتند. با این وجود فرصت‌ها، منابع و امکانات مورد نیاز برای توسعه و تامین نیازهای انسانی به طور مناسبی در شهرها تامین نشده است. شهر نورآباد نیز به عنوان یکی از شهرهای استان لرستان در دهه‌ی اخیر دارای نرخ رشد جمعیتی بسیار بالایی بوده است. بطوریکه جمعیت آن از ۸۷۳۴ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۵۶۵۳۰ نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است. نرخ رشد سالانه جمعیت در فاصله سال‌های ۸۵-۱۳۵۵ در این شهر برابر ۶/۴۲ می‌باشد. این روند شتابان ناشی از مهاجرت‌های روستایی و بالا بودن نرخ رشد طبیعی جمعیت است، که تاثیرات زیادی بر کیفیت زندگی ساکنین این شهر داشته است. بنابراین، طرح مسئله این تحقیق عمدتاً در فقدان مطالعات تجربی در زمینه کیفیت زندگی شهری در ایران و به طور خاص در شهر نورآباد خلاصه می‌شود، که این وضع یکی از انگیزه‌های انجام این مطالعه را شکل می‌دهد. از اینرو، این مطالعه می‌تواند اطلاعات مفیدی را در زمینه بهبود روش شناسی مطالعه کیفیت زندگی در نواحی شهری ایران و برنامه ریزی توسعه به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهروندان شهر نورآباد فراهم نماید. به همین منظور با هدف سنجش و

درصد می‌رسد (UNPF, 2007). شهرهای دیروز به متروپلیس‌ها و متروپلیس‌ها به مگالوپلیس‌ها تبدیل شده‌اند. پدیده شهرنشینی اجتناب ناپذیر و غیر قابل برگشت است. با وجود فواید زیاد شهرنشینی، بسیاری از سیاست‌گذاران در کشورهای مختلف روند فزاینده شهرنشینی را زنگ خطر می‌دانند. آنها تاثیر عمیق بر سنت‌ها و روابط مرسوم و مشکل تدارک و آماده‌سازی خدمات و زیرساخت‌های عمومی، تکثیر سکونت‌گاه‌های غیررسمی، بدتر شدن شرایط محیطی، و افزایش مسایل اجتماعی مربوط به بیکاری و کم‌کاری را خاطر نشان می‌کنند. در بسیاری از نواحی شهری بویژه نواحی شهری کشورهای در حال توسعه بیکاری و مسایل اجتماعی در حال افزایش است، شرایط محیطی و سلامت در حال زوال می‌باشند، نابرابری در دسترسی به درآمد و خدمات عمومی در حال رشد است و شواهد فقر، آسیب‌پذیری و ناامیدی به طور فزاینده‌ای در میان مردم نواحی شهری قابل مشاهده است. این مسائل و مشکلات باعث توجه فزاینده محققین رشته‌های گوناگون به مطالعه کیفیت زندگی، کیفیت مکان و بهزیستی انسانی در نواحی شهری کشورهای مختلف به عنوان ابزاری برای پشتیبانی از سیاست‌گذارهای عمومی، تدوین و پایش استراتژیهای مدیریت و برنامه‌ریزی شهری و درک و اولویت بندی مسائل اجتماع شده است. اما این مطالعات از جنبه‌های متعددی مانند مقیاس مطالعه، قلمروهای مورد استفاده و روش‌های سنجش کیفیت زندگی متفاوت هستند. به این ترتیب که روش‌های گوناگونی برای مطالعه کیفیت زندگی در نواحی شهری به کار گرفته شده است. با این وجود، کمپ و همکارانش در سال ۲۰۰۳ معتقدند که تاکنون چارچوب جامعی برای مطالعه کیفیت زندگی به صورت یکپارچه و کل‌گرایانه و متکی بر شاخص‌های فیزیکی، مکانی و اجتماعی ارائه نشده است (Kamp et al, 2003:5). از طرف دیگر، کیفیت زندگی اغلب با استفاده از شاخص‌های عینی یا شاخص‌های ذهنی و به ندرت با استفاده از هر دو نوع شاخص‌ها اندازه‌گیری شده است (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۷).

زندگی - عینی و ذهنی - در نظر گرفته شده است. دکتر سعیده گروسی و همکارانش در سال ۱۳۸۷ در مقاله‌ای تحت عنوان سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در شهر کرمان به شناسایی سطح سرمایه‌های اجتماعی و کیفیت زندگی و ارتباط این دو متغیر در محلات مختلف شهر کرمان پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که سطح سرمایه اجتماعی در دسترس با سطح کیفیت زندگی ارتباط معنی دار دارد و ارتباط این دو متغیر تابعی از سطح محله است.

در سال‌های اخیر مطالعات تجربی فراوانی به منظور سنجش کیفیت زندگی در کشورهای مختلف دنیا و به خصوص شهرهای کشورهای توسعه یافته انجام گرفته است. لی و ونگ در سال ۲۰۰۷ با استفاده از شاخص‌های عینی به مطالعه کیفیت زندگی در شهر ایندیاناپولیس پرداختند. هدف اصلی این مطالعه ارائه روشی برای تلفیق داده‌های سرشماری و سنجش از دور در درون چارچوب GIS برای ارزیابی کیفیت زندگی در شهر ایندیانا پولیس بود. لی در سال ۲۰۰۸ با استفاده از شاخص‌های ذهنی به ارزیابی کیفیت زندگی در شهر تایپه پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که وضعیت اجتماع، تعلقات محلی، و رضایت از محله بیشترین تاثیر را بر رضایت از کیفیت زندگی دارند. محققان دیگری همچون Foo(2000)، Ibrahim and Chang(2003) و Santos and Martins(2007) نیز با استفاده از شاخص‌های ذهنی به بررسی و مطالعه کیفیت زندگی در نواحی شهری پرداخته‌اند. داس در سال ۲۰۰۸ چارچوب مفهومی برای سنجش کیفیت زندگی شهری پیشنهاد کرده که ارتباط بین محیط و کیفیت زندگی را نشان می‌دهد. این مدل، رویکردی پایین به بالا را پیشنهاد می‌کند که در آن هر دوی شاخص‌های عینی و ذهنی برای مطالعه کیفیت کلی زندگی مورد توجه قرار دادند. محققان دیگری از قبیل McCrea et al(2006)، Breerton et al(2008) و Rojas(2008) نیز با استفاده از شاخص‌های عینی و ذهنی به مطالعه کیفیت زندگی پرداخته‌اند.

ارزیابی کیفیت ذهنی زندگی در شهر نورآباد سه پرسش اصلی مطرح شد:

الف) سطح کیفیت ذهنی زندگی و میزان رضایت شهروندان از معرف‌های مختلف مربوط به قلمروهای فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی زندگی در شهر نورآباد چگونه است؟

ب) ابعاد ذهنی کیفیت زندگی در شهر نورآباد کدامند؟

ج) کدام خصوصیات فردی تغییرات کیفیت زندگی در شهر نورآباد را تبیین می‌کنند؟

## ۲- پیشینه تحقیق:

موضوع کیفیت زندگی سابقه مطالعاتی چندانی در ایران ندارد، اما بحث عدالت اجتماعی و بطور اخص بحث عدالت اجتماعی و نابرابری‌های فضایی در سطح شهرها از موضوعات مرتبط با کیفیت زندگی است که در ایران مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است (حاتمی نژاد، ۱۳۷۹، مرصوص؛ ۱۳۸۲ و شریفی، ۱۳۸۵).

تئوریه‌ها و مطالعات تجربی کیفیت زندگی عمدتاً از جوامع غربی نشأت گرفته‌اند. مطالعات کیفیت زندگی در کشورهای در حال توسعه و به تبع آن در ایران به طور قابل توجهی کمیاب هستند. دکتر اسفندیار زبردست به بررسی قلمرو مسکن کیفیت زندگی و رضایت از زندگی در سکونتگاه‌های حاشیه کلانشهر تهران پرداخته است. در این مقاله با استفاده از تحلیل عاملی هفت قلمرو فرعی مسکن برای کیفیت زندگی همچون امکانات، کیفیت و استحکام مسکن شناسایی شده است. دکتر رضوانی و همکارانش در سال ۱۳۸۷ در مقاله‌ای مروری به بررسی مفاهیم، شاخص‌ها و مدل‌های کیفیت زندگی و ارائه مدلی برای سنجش کیفیت زندگی در نواحی روستایی پرداختند. ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی مقاله دیگری است که توسط دکتر رضوانی و همکارانش در سال ۱۳۸۷ تدوین شده است. در این مطالعه برای سنجش کیفیت زندگی، چارچوبی مفهومی براساس نیازهای انسانی ارائه شده است، که در آن پیوند مفهومی بین دو رویکرد عمده کیفیت

سوالات مورد استفاده برای اخذ بعد ذهنی کیفیت زندگی، شامل ۲۵ سوال بسته در طیف لیکرت ۱۱ مقیاسی از کاملاً ناراضی=۰ تا کاملاً راضی ۱۰ می‌باشند. پرسشنامه در بعد ذهنی با سوالاتی در مورد کیفیت کلی زندگی شروع می‌شود و به دنبال آن سوالاتی در مورد میزان رضایت از معرف‌های مختلف زندگی مطرح شده و در انتهای آن دوباره وضعیت کیفیت کلی زندگی سوال می‌شود. سوال آخر در زمینه کیفیت زندگی، به عنوان مبنایی برای تحلیل‌های بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است.

به منظور سنجش اعتبار درونی ابتدا از روش اعتبار محتوا برای افزایش اعتبار پرسشنامه استفاده شده است. در این راستاء با استفاده از مقیاس‌های آزمون شده در پژوهش‌های کیفیت زندگی و نظرخواهی از اساتید و کارشناسان متخصص در این زمینه گام اول برداشته شد. سپس پرسشنامه تدوین شده طی دو مرحله مقدماتی و نهایی تکمیل گردید و با بررسی پاسخ‌های بدست آمده از ۳۰ پرسش نامه مقدماتی و انجام محاسبات آماری لازم، پرسشنامه نهایی تدوین گردید. آمار توصیفی برای بررسی وضعیت کیفیت کلی زندگی و میزان رضایت از معرف‌های مربوط به قلمروهای سه گانه اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی و تحلیل عاملی برای شناسایی ابعاد ذهنی کیفیت زندگی مورد استفاده قرار گرفت. از تحلیل رگرسیون چندگانه برای ایجاد مدل ساده کیفیت ذهنی زندگی و از تکنیک‌های آماری ANOVA و T-test برای ارزیابی تاثیر خصوصیات فردی بر کیفیت زندگی استفاده شده است. سازگاری درونی بخش ذهنی پرسشنامه نیز از طریق آلفای کرونباخ بررسی شده است.

#### ۴- محدوده و قلمرو پژوهش:

این مطالعه در شهر نورآباد، یکی از شهرهای استان لرستان انجام گرفته است. شهر نورآباد به عنوان مرکز شهرستان دلفان در شمالی‌ترین بخش استان لرستان قرار دارد. براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ از کل جمعیت استان لرستان ۸,۰۲

با توجه به مطالعات صورت گرفته می‌توان گفت که هنوز چارچوب مفهومی قابل قبول جهانی برای سنجش کیفیت زندگی و روش شناسی واحدی برای تعیین قلمروها و معرف‌های کیفیت زندگی وجود ندارد و انتخاب قلمروها و معرف‌های مربوط به هر قلمرو و روش سنجش کیفیت زندگی براساس اهداف مطالعه، قضاوت‌های شخصی محقق، ویژگیهای ناحیه مورد مطالعه و داده‌های در دسترس صورت می‌گیرد و تفاوت‌های عمده در مدل‌های کیفیت زندگی به دلیل تفاوت در مقیاس، شاخص‌ها و قلمروهای زندگی است که در مطالعات گوناگون کیفیت زندگی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

#### ۳- روش تحقیق:

این مطالعه عمدتاً مبتنی بر داده‌های اولیه است. برای جمع‌آوری اطلاعات اولیه پیمایش نمونه در شهر نورآباد در سطح خانوار انجام شده است. جامعه آماری شامل تمام خانوارهای ساکن در شهر نورآباد می‌باشد که تعداد آنها براساس نتایج سرشماری عمومی سال ۱۳۸۵، ۱۲۲۳۷ خانوار می‌باشد. با استفاده از فرمول کوکران و با توجه به محدودیت‌های زمانی و مالی پژوهش تعداد ۳۵۲ خانوار به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات، شهر نورآباد با توجه به ویژگیهای اجتماعی، اقتصادی به ۱۰ ناحیه تقسیم و در هر ناحیه به صورت تصادفی ساده، اطلاعات مورد نیاز از سرپرست خانوار و یا یکی از اعضای بالای ۱۸ سال خانوار توسط پرسشنامه جمع‌آوری شد. با توجه به جمع‌آوری اطلاعات از حدود ۳۵ خانوار در هر ناحیه، تعداد خانوارهای مورد مطالعه ۳۵۲ خانوار می‌باشد. پرسشنامه استفاده شده حاوی سوالاتی در مورد اطلاعات جمعیتی شناختی و بعد ذهنی کیفیت زندگی می‌باشد. در سوالات بخش ذهنی سعی شده میزان رضایت ادراک شده از شرایط عینی زندگی در سه قلمرو محیط فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی ارزیابی شود.

کرده‌اند (Epley and Menon, 2007:281). با این وجود، هنوز تعریف قابل قبول جهانی برای این مفهوم صورت نگرفته است. زیرا بسیاری از محققان بر این باورند که کیفیت زندگی مفهومی چند وجهی، نسبی، متأثر از زمان، مکان، ارزشهای فردی و اجتماعی است. لیو<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۳ کیفیت زندگی را «عنوانی جدید برای مفهوم قدیمی بهزیستی مادی و روانی مردم در محیط زندگی خود» توصیف کرده است. مولر<sup>۲</sup> کیفیت زندگی را میزان رفاه افراد و گروهها تحت شرایط اجتماعی و اقتصادی عمومی تعریف می‌کند. داس<sup>۳</sup> در سال ۲۰۰۸ کیفیت زندگی را به عنوان بهزیستی و یا عدم بهزیستی مردم و محیط زندگی آنها تعریف می‌کند؛ این در حالیست که دینر<sup>۴</sup> در سال ۱۹۹۷ بهزیستی را در ارتباط با ادراک ذهنی فرد از زندگی توصیف می‌کند. نس<sup>۵</sup> (۱۹۹۹) بهزیستی را ادراک فردی نسبت به خوب یا بد بودن زندگی و معیاری برای سنجش کیفیت زندگی می‌داند. فو<sup>۶</sup> در سال ۲۰۰۰ کیفیت زندگی را رضایت کلی فرد از زندگی می‌داند. کوستانزا و همکاران<sup>۷</sup> در سال ۲۰۰۷ کیفیت زندگی را به عنوان میزان تامین نیازهای انسانی در ارتباط با ادراکات افراد و گروهها از بهزیستی ذهنی تعریف می‌کند. پسیون<sup>۸</sup> در سال ۲۰۰۳ کیفیت زندگی را این گونه تعریف می‌کند: اصطلاح کیفیت زندگی به طور کلی به وضعیت محیطی که مردم در آن زندگی می‌کنند (مثل آلودگی و کیفیت مسکن) و هم چنین به برخی صفات و ویژگیهای خود مردم (مثل سلامت و میزان تحصیلات) اشاره دارد. با توجه به تعاریف ارائه شده می‌توان واژگان کلیدی مورد استفاده در تعریف کیفیت زندگی را اینگونه خلاصه کرد: واقعیات عینی، ادارک ذهنی، برخورداری، بهزیستی، رضایت از زندگی و نیازهای انسانی.

## ۵-۲- رویکردهای ارزیابی کیفیت زندگی شهری

در مطالعات کیفیت زندگی شهری دو رویکرد ذهنی و رویکرد عینی وجود دارد (Lee, 2008:1206). این رویکردها غالباً به طور مجزا از همدیگر و به ندرت در ترکیب با هم

درصد معادل ۱۳۷۶۳۳ نفر در این شهرستان مستقر می‌باشند؛ که از این رقم حدود ۴۱ درصد (۵۶۵۳۰ نفر) در شهر نورآباد و ۵۹ درصد (۸۱۱۰۳ نفر) در نقاط روستایی شهرستان ساکن می‌باشند. شهر نورآباد در سال ۱۳۵۵ حدود ۱۵ درصد از جمعیت شهرستان را در خود جای داده، که این رقم در سال ۱۳۸۵ به بیش از ۴۱ درصد رسیده است. ارقام سهم نسبی جمعیت شهر از شهرستان در فاصله سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ در جدول شماره ۱ نشان داده شده است. به طور کلی می‌توان گفت که شهر نورآباد در دهه دهی اخیر دارای نرخ رشد جمعیتی بسیار بالایی بوده است. بطوریکه جمعیت آن از ۸۷۳۴ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۵۶۵۳۰ نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است. نرخ رشد سالانه جمعیت در فاصله سال های ۸۵-۱۳۵۵ در این شهر برابر ۶,۴۲ می‌باشد. این روند شتابان ناشی از مهاجرت‌های روستایی به دلیل فقر روستایی، عدم وجود امکانات رفاهی در مناطق روستایی شهرستان و بالا بودن نرخ رشد طبیعی جمعیت است.

جدول (۱): جمعیت شهر نورآباد و سهم آن از کل جمعیت شهرستان دلفان (۱۳۵۵-۱۳۸۵)

مقطع سرشماری	تعداد جمعیت	سهم از جمعیت شهرستان
۱۳۵۵	۸۷۳۴	۱۵
۱۳۶۵	۲۹۱۸۸	۲۸,۵
۱۳۷۵	۴۹۱۷۳	۳۹
۱۳۸۵	۵۶۵۳۰	۴۱,۱

مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سالهای ۸۵-۱۳۵۵

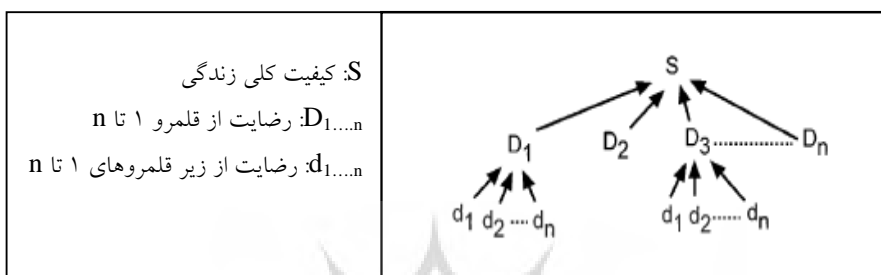
## ۵- مبانی نظری:

### ۵-۱- مفهوم کیفیت زندگی:

کیفیت زندگی مفهوم گسترده‌ای است که دارای معانی گوناگونی برای افراد و گروههای مختلف می‌باشد. برخی آن را به عنوان قابلیت زیست پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به عنوان سنج‌های برای میزان جذابیت و برخی به عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و ... تفسیر

روش زندگی به قلمروهای مختلفی تقسیم شده و ترکیب میزان رضایت حاصل از هر یک از قلمروها، کیفیت کلی زندگی را نشان می‌دهد. این روش را می‌توان به صورت شماتیک در شکل (۱) مشاهده کرد. این مدل نشان می‌دهد که کیفیت زندگی در کل یک مجموع وزن داده شده از میزان رضایت در قلمروها و جنبه‌های مختلف زندگی است.

برای سنجش کیفیت زندگی شهری بکار می‌روند. کیفیت زندگی در ابعاد ذهنی، ادراک و ارزیابی افراد را از وضعیت زندگی خود منعکس می‌سازد و با استفاده از شاخص‌های ذهنی اندازه‌گیری می‌شود. کیفیت ذهنی زندگی به روش‌های مختلفی قابل اندازه‌گیری می‌باشد. در یکی از مهم‌ترین روش‌ها، کیفیت ذهنی زندگی می‌تواند میزان تجمعی از سطح رضایت در قلمروهای مختلف زندگی باشد. بر اساس این



Source: Pacione, 2003:24

شکل (۱): کیفیت زندگی به عنوان ترکیبی از مولفه‌های رضایت در قلمروهای مختلف زندگی

استفاده از این دو پاسخ‌ها دستیابی به سنجش‌های دقیق‌تر کیفیت ذهنی زندگی را تسهیل می‌کند (Ibrahim and Chung, 2003:210). لی اظهار می‌کند که کیفیت باید ذهنی باشد و مناسب‌ترین شیوه برای کشف کیفیت زندگی، پرسیدن ادراک مردم از زندگی آنهاست (Lee, 2008:1208). وی همچنین معتقدند که شاخص‌های ذهنی برای اهداف برنامه ریزی و سیاستگذاری نسبت به شاخص‌های عینی ارجح است، زیرا این شاخص‌ها بازخوردهای ارزشمندی را برای برنامه ریزان و سیاستگذاران فراهم می‌کنند. با وجود این، شاخص‌های ذهنی پایایی کمتر و قابلیت اطمینان بیشتری دارند. داس یکی از دلایل پایایی کمتر گزارشات ذهنی، ناتوانی این شاخص‌ها برای نمایش وضعیت محیط زندگی مردم می‌داند (Das, 2008:298).

کیفیت عینی زندگی، شرایط بیرونی زندگی را نمایش می‌دهد. کیفیت عینی زندگی با استفاده از شاخص‌های عینی که مرتبط با واقعیات قابل مشاهده و ملموس زندگی هستند،

در روش دیگر، کیفیت ذهنی زندگی بر حسب رضایت کلی افراد از زندگی و به عنوان یک کل اندازه‌گیری می‌شود. در این روش رضایت کلی از زندگی معمولاً با استفاده از پاسخ شهودی یا منطقی اندازه‌گیری می‌شود. در روش شهودی، افراد در مورد زندگی خود به عنوان یک کل مورد سوال قرار می‌گیرند. اما در روش منطقی، ابتدا افراد در مورد احساس خود از قلمروهای مختلف زندگی همچون مسکن، محیط طبیعی، امنیت، شغل، درآمد و ... مورد سوال قرار می‌گیرند و هنگامی که افراد به این سوالات پاسخ دادند، احساس آنها در مورد زندگی به عنوان یک کل مورد سوال قرار می‌گیرد. در نتیجه آنها می‌توانند پاسخی منطقی با توجه به جنبه‌های مختلف زندگی ارائه دهند. اندازه‌گیری هر دو پاسخ شهودی و منطقی به بررسی این موضوع کمک می‌کند که آیا تغییری در دیدگاه افراد در مورد احساس آنها نسبت به زندگی پس از توجه به قلمروهای مختلف زندگی وجود دارد (Das, 2008:304). ابراهیم و چانگ اظهار کرده‌اند که

گرفت. با این وجود، این مقیاس‌ها همگی دارای محدودیت‌های خاصی هستند و در بعضی موارد علاوه بر شاخص‌های عینی به شاخص‌های ذهنی نیاز است. یک نمونه از آن بهداشت عمومی است. مشکلات قابل ملاحظه‌ای در زمینه‌ی ارزیابی میانگین سلامت براساس مصرف دارو و شیوع بیماری ثبت شده وجود دارد. طول عمر معمولاً به طور کلی این مسئله را به خوبی نشان نمی‌دهد و تاثیر آن فقط در طولانی مدت مشهود می‌شود. بنابراین همه ملت‌های پیشرفته تحقیقاتی در زمینه بهداشت و سلامت انجام می‌دهند تا داده‌هایی در زمینه مشکلات سلامت روانی گردآوری کنند و در زمینه‌ی احساساتی که عموم مردم درباره‌ی سلامت دارند، نیز گزارشاتی تهیه می‌کنند. پیشرفت در نیل به برخی اهداف را به سختی می‌توان به صورت عینی اندازه‌گیری کرد. ارزیابی پیشرفت‌ها با توجه به این هدف نگرشی مستلزم داشتن داده‌های نگرشی است.

### ۵-۳- کیفیت زندگی و برنامه ریزی شهری:

برنامه ریزان شهری عهده دار مدیریت محیط عینی شهری می‌باشند. از اینرو، آگاهی آنها در مورد چگونگی تاثیرگذاری تصمیماتشان بر رضایت شهروندان از زندگی شهری مزایای زیادی برای آنها به همراه خواهد داشت. خروجی‌های مطالعات کیفیت زندگی شهری می‌تواند اطلاعات مفیدی برای برنامه‌ریزی توسعه و طراحی استراتژی‌هایی که کیفیت زندگی شهروندان را ارتقاء می‌دهند، فراهم سازد. مرور ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که توافق عمومی در میان محققان، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان در خصوص نیاز به مطالعه کیفیت زندگی در نواحی شهری وجود دارد. این مطالعات اغلب وظایف کلیدی از قبیل آگاه کردن شهروندان، گروه‌های اجتماعی و سیاستگذاران از روندهای کیفیت زندگی را بر عهده دارند. نتایج مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به ارزیابی سیاست‌ها، رتبه بندی مکان‌ها، تدوین استراتژی‌های مدیریت و برنامه ریزی شهری کمک کرده و

اندازه‌گیری می‌شود. این شاخص‌ها از داده‌های ثانویه مانند تراکم جمعیت، نرخ جرم، میزان تحصیلات، خصوصیات خانوار و ... حاصل می‌شود. واقعیت خیلی مهم این است که کیفیت نمی‌تواند تنها از طریق شرایط عینی تعیین شود، بلکه در نظر گرفتن بهزیستی ذهنی افراد نیز دارای اهمیت است. شاخص‌های عینی به تنهایی نمی‌تواند کیفیت واقعی زندگی را نمایش دهند، زیرا این شاخص‌ها دارای پایایی بالا، اما قابلیت اطمینان پایین در ارزیابی بهزیستی انسانی هستند (Foo, 2000:34).

علیرغم برخی نقاط ضعف، شاخص‌های ذهنی در سیاست اجتماعی، هم در انتخاب اهداف سیاسی و هم برای ارزیابی موفقیت سیاسی ضروری هستند. شاخص‌های عینی به تنهایی نمی‌تواند اطلاعات کافی را برای ما فراهم سازند. سیاست‌گذاران باید بدانند مردم چه می‌خواهند تا از این طریق بتوانند حمایت لازم را برای آنها فراهم کنند. آنها باید بدانند مردم واقعاً به چه چیزهایی نیاز دارند، تا بتوانند معنادارترین اهداف را برای آنها انتخاب کنند. بسیاری از این اطلاعات مستلزم این هستند که ما از شاخص‌های ذهنی استفاده کنیم.

هنگامی که سیاست‌گذاران درباره‌ی اهداف تصمیم می‌گیرند، باز هم با این مشکل روبرو هستند که فرایند سیاسی همیشه اولویت‌های عمومی را به صورت درستی منعکس نمی‌سازد. بنابراین درک بهتر اولویت‌های عمومی مستلزم انجام تحقیقات بیشتری در زمینه‌ی نگرانی‌ها، آرزوها و رضایتمندی‌های عمومی مردم است. این شاخص‌ها هم از نظر مفهوم و هم در اندازه‌گیری‌ها، ذهنی هستند.

ارزیابی موفقیت سیاسی مستلزم داشتن اطلاعات درباره نیل به اهدافی مانند کاهش فقر یا بهبود شرایط مسکن و همچنین اطلاعات مربوط به حمایت‌های عمومی است. برای این کار هم به اندازه‌گیری‌های ذهنی و هم به ارزیابی موضوعات نگرشی نیاز است. موفقیت در رسیدن به برخی از اهداف را می‌توان به صورت عینی اندازه‌گیری کرد. می‌توان از نسبت دانش آموز به معلم برای ارزیابی بهبود شرایط آموزش کمک

بررسی این موضوع است که آیا تغییری در نظرات مردم در مورد کیفیت زندگی آنها پس از درک میزان رضایت از قلمروهای مختلف زندگی وجود دارد یا نه. بنابراین، کیفیت زندگی منطقی با سوالاتی در مورد رضایت از قلمروهای مختلف زندگی تحت تاثیر قرار گرفته و نسبت به کیفیت زندگی شهودی، به خوبی مورد تفکر و ادراک قرار گرفته است.

آماره‌های توصیفی برای ارزیابی کیفیت ذهنی زندگی در سطح شهر نورآباد محاسبه شده است. نظرات پاسخگویان با استفاده از طیف لیکرت ۱۱ مقیاسی اندازه گیری شده، که عدد ۰ نشان دهنده نارضایتی کامل و عدد ۱۰ نشان دهنده رضایت کامل است. جدول (۱) درصد پاسخگویان در شهر نورآباد نشان می‌دهد که براساس پاسخ‌ها در سطوح مختلف کیفیت زندگی طبقه بندی شده‌اند. وقتی که از پاسخگویان در مورد کیفیت شهودی زندگی سوال شد، مشخص شد که ۶٫۸ درصد افراد از کیفیت زندگی خود به طور کامل ناراضی و ۷٫۴ درصد پاسخگویان نیز به طور کامل راضی بودند. به طور کلی ۴۶ درصد افراد از کیفیت زندگی راضی و ۳۱٫۸ درصد از کیفیت زندگی ناراضی بودند، و ۲۲٫۲ درصد پاسخگویان نیز در طبقه خنثی قرار گرفتند.

با تکرار همین سوال در انتهای پرسشنامه مشخص شد که پاسخگویانی که به طور کامل از کیفیت زندگی خود ناراضی هستند به ۲٫۳ درصد کاهش پیدا کرده است. در طرف مقابل افرادی که از کیفیت زندگی خود به طور کامل راضی بودند به ۹٫۷ درصد افزایش یافته است. به طور کلی ۵۹٫۱ درصد پاسخگویان از کیفیت زندگی راضی و ۲۷٫۳ درصد از کیفیت زندگی ناراضی بودند. علاوه بر این، میانگین رضایت از ۵٫۳۵ به ۶٫۰۶ افزایش یافته است. بنابراین می‌توان به طور واضح مشاهده کرد که نظرات پاسخگویان در مورد رضایت از کیفیت زندگی پس از پاسخ دادن به مجموعه‌ای از سوالات در مورد قلمروهای مختلف زندگی تغییر کرده است.

درک و اولویت‌بندی مسائل اجتماع برای برنامه ریزان و مدیران شهری به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهروندان را تسهیل سازد. همچنین یافته‌های کیفیت زندگی می‌تواند برای باز شناسی استراتژیهای سیاسی قبلی و طراحی سیاست‌های برنامه‌ریزی آینده استفاده شوند (Lee, 2008:1207). علاوه بر این، مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به شناسایی نواحی مسأله‌دار، علل نارضایتی مردم، اولویت‌های شهروندان در زندگی، تاثیر فاکتورهای اجتماعی- جمعیتی بر کیفیت زندگی و پایش و ارزیابی کارایی سیاست‌ها و استراتژیها در زمینه کیفیت زندگی کمک کند. در این راستا سانتوس و مارتینز در سال ۲۰۰۷ اشاره می‌کنند که مشارکت اجتماع محلی در مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند پشتیبانی مهمی برای تعیین سیاست‌ها و اهداف بلند مدت باشد (Santos and Martins, 2007:413).

## ۶- یافته‌های تحقیق

با توجه به ابعاد و قلمروهای کیفیت زندگی، یافته‌های حاصل از پرسشنامه‌های تکمیل شده در شهر نورآباد به شرح زیر است.

### ۱-۶- کیفیت ذهنی زندگی

کیفیت ذهنی زندگی در شهر نورآباد بر حسب پاسخ شهودی و منطقی اندازه‌گیری شده است. بدین منظور در ابتدای پرسشنامه از پاسخگویان خواسته شد تا میزان رضایت خود را از کیفیت کلی زندگی‌شان بیان کنند. پاسخ به این سوال، به عنوان کیفیت زندگی شهودی در نظر گرفته شد. برای اندازه گیری کیفیت زندگی منطقی در انتهای پرسشنامه سوال دیگری در نظر گرفته شد. در این سوال از پاسخگویان خواسته شد که با در نظر گرفتن همه قلمروهای زندگی مطرح شده در پرسشنامه، میزان رضایت خود را از کیفیت کلی زندگی‌شان اظهار کنند. کیفیت زندگی منطقی پس از اینکه میزان رضایت افراد از قلمروهای مختلف زندگی مورد سوال قرار گرفت، اندازه‌گیری می‌شود. هدف از انجام این کار



جدول (۱): رضایت از کیفیت زندگی

میزان رضایت از کیفیت زندگی	کیفیت زندگی شهودی		کیفیت زندگی منطقی	
	درصد	تجمعی	درصد	تجمعی
کاملاً ناراضی (۰)	۶٫۸	۶٫۸	۲٫۳	۲٫۳
(۱)	۲٫۳	۹٫۱	۱٫۷	۴٫۰
(۲)	۵٫۷	۱۴٫۸	۵٫۷	۹٫۷
(۳)	۹٫۱	۲۳٫۹	۶٫۳	۱۵٫۹
(۴)	۸٫۰	۳۱٫۸	۱۱٫۴	۲۷٫۳
نه ناراضی، نه راضی (۵)	۲۲٫۲	۵۴٫۰	۱۳٫۶	۴۰٫۹
(۶)	۱۰٫۲	۶۴٫۱	۱۳٫۶	۵۴٫۵
(۷)	۱۳٫۱	۸۹٫۲	۱۱٫۹	۸۰٫۱
(۸)	۳٫۴	۹۲٫۶	۱۰٫۲	۹۰٫۳
(۹)	۷٫۴	۱۰۰٫۰	۹٫۷	۱۰۰٫۰
کاملاً راضی (۱۰)				
میانگین (لیکرت)	۵٫۳۵		۶٫۰۶	
انحراف استاندارد	۲٫۶۴		۲٫۵۲	

ارزش میانگین می‌باشند. بنابراین می‌توان به طور آشکاری ضعف محیط اقتصادی شهر نورآباد را مشاهده کرد. دلیل واضحی برای این مسئله، نرخ بیکاری ۱۸ درصدی این شهر در سال ۱۳۸۵ است، که بالاترین میزان بیکاری در استان لرستان می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) و این درحالیست که استان لرستان خود دارای بالاترین میزان بیکاری در میان استانهای کشور می‌باشد. بالاترین میزان رضایت در میان قلمروهای سه گانه مربوط به سلامت و سپس امید به آینده و رضایت از وضعیت مسکن است. احساس امنیت و کیفیت آب نیز دارای بالاترین ارزش‌های میانگین هستند. آمار توصیفی رضایت از معرف‌های مختلف قلمروهای سه گانه به طور مفصل در جدول (۲) آمده است.

### ۲-۶- رضایت از قلمروهای مختلف کیفیت زندگی

میزان رضایت از معرف‌های مربوط به قلمروهای سه گانه زندگی مورد سوال قرار گرفت. این به ما کمک می‌کند تا میزان رضایت پاسخگویان را از معرف‌های مختلف هر قلمرو ارزیابی کنیم. در قلمرو «محیط فیزیکی» بالاترین میزان رضایت با ارزش میانگین ۶٫۸۵ مربوط به وضعیت مسکن و کمترین میزان رضایت با ارزش میانگین ۴٫۷۵ مربوط به فضای سبز و پارک‌ها است. در قلمرو «محیط اقتصادی» بالاترین میزان رضایت با ارزش میانگین ۴٫۴۰ مربوط به امکانات و خدمات بهداشتی و درمانی و پایین‌ترین میزان رضایت مربوط به فرصت‌های شغلی با ارزش میانگین ۳٫۳۴ است. در قلمرو «محیط اجتماعی» بالاترین میزان رضایت با ارزش میانگین ۷٫۵۶ مربوط به سلامت و پایین‌ترین میزان رضایت مربوط به قابل اعتماد بودن مردم شهر با ارزش میانگین ۴٫۴۰ است.

به طور کلی، بررسی ارزش‌های میانگین مربوط به معرف‌های مختلف قلمروهای سه گانه نشان می‌دهد که پایین‌ترین میزان رضایت مربوط به رضایت از فرصت‌های شغلی و سپس رضایت از توزیع درآمد و ثروت است. رضایت از امکانات تفریحی و رضایت از وضعیت اقتصادی نیز دارای کمترین

### ۳-۶- ابعاد کیفیت ذهنی زندگی

همان طور که بیان شد، کیفیت زندگی مفهومی چند بعدی است. در این مطالعه از تحلیل عاملی برای شناسایی ابعاد کیفیت ذهنی زندگی با توجه به ۲۵ معرف ذهنی مورد بررسی در پیمایش خانوارها استفاده شد. بطور کلی تحلیل عاملی، تکنیکی آماری است که معمولاً برای استخراج زیر مجموعه‌های غیرهمبسته معرف‌هایی که واریانس مشاهده شده در مجموعه داده اولیه را تبیین می‌کنند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. ارزش  $KMO^9$  برای این مطالعه ۰٫۸۷ و آزمون بارتلت دارای سطح معناداری در حدود ۰٫۰۰ است، که نشان می‌دهد که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند. نتایج تحلیل عاملی در جدول (۳) نشان داده شده است. تعداد عامل‌های استخراج شده بوسیله معیار مقدار ویژه (مقدار ویژه بزرگتر از یک) و اسکری پلات ۶ عامل است. این ۶ عامل ۶۲٫۷ درصد کل واریانس را تبیین کرده است.

**عامل اول:** این عامل بالاترین بارها را بر شاخص‌های قلمرو محیط فیزیکی نشان می‌دهد، و این عامل می‌تواند به عنوان «توسعه کالبدی» نام گذاری شود.

**عامل پنجم:** این عامل بالاترین بارها را بر شاخص‌های مسکن، محله و سلامت دارد و می‌توان این عامل را به عنوان «محیط محلی» نام گذاری کرد.

**عامل ششم:** این عامل بالاترین بارها را بر شاخص‌های ترافیک خیابانها و آرامش و سکون دارد و می‌توان این عامل را به عنوان «آرامش شهری» نام گذاری کرد.

**عامل دوم:** این عامل بالاترین بارها را بر شاخص‌های محیط اقتصادی دارد، و می‌توان این عامل را به عنوان «رضایت از امکانات» نام گذاری کرد.

**عامل سوم:** این عامل بالاترین بارها را بر شاخص‌های محیط اجتماعی دارد و می‌توان این عامل را به عنوان «سرمایه اجتماعی» نام گذاری کرد.

**عامل چهارم:** این عامل بالاترین بارها را با شاخص‌های امید به آینده، رضایت از موفقیت‌های زندگی و خشنودی دارد، بنابراین می‌توان این عامل را به عنوان «بهبیستی ذهنی» نام گذاری کرد.

جدول (۲): ارزش‌های میانگین رضایت از معرف‌های مختلف قلمروهای سه گانه

انحراف استاندارد	میانگین	معرف‌ها	قلمرو
۲,۶۴	۶,۴۴	رضایت از محله	محیط فیزیکی
۲,۵۵	۶,۸۵	رضایت از وضعیت مسکن	
۲,۸۶	۴,۷۵	رضایت از فضای سبز و پارک‌ها	
۲,۸۶	۵,۳۵	رضایت از جمع‌آوری و دفع زباله	
۲,۷۱	۵,۳۵	رضایت از حمل و نقل عمومی	
۲,۷۴	۵,۰۲	رضایت از وضعیت خیابانها	
۲,۸۰	۶,۴۵	رضایت از کیفیت آب	
۳,۳۹	۵,۹۲	رضایت از وضعیت ترافیک	
۲,۹۳	۵,۶۴	رضایت از آرامش و سکون	محیط اقتصادی
۲,۵۳	۳,۳۴	رضایت از فرصت‌های شغلی	
۲,۴۶	۳,۷۶	رضایت از وضعیت اقتصادی	
۲,۳۷	۳,۵۳	رضایت از توزیع درآمد و ثروت	
۲,۶۸	۴,۳۱	رضایت از امکانات آموزشی	
۲,۵۵	۴,۴۰	رضایت از امکانات بهداشتی	
۲,۶۷	۳,۶۷	رضایت از امکانات تفریحی	محیط اجتماعی
۲,۴۱	۶,۵۲	رضایت از احساس امنیت فردی	
۲,۳۹	۷,۵۶	رضایت از وضعیت سلامت	
۲,۲۵	۶,۰۵	رضایت از خشنودی	
۲,۹۰	۶,۳۶	رضایت از احساس تعلق	
۲,۷۴	۵,۲۰	رضایت از روابط با همسایه‌ها	
۲,۶۰	۴,۴۰	رضایت از قابل اعتماد بودن مردم شهر	
۲,۹۲	۶,۹۶	امید به آینده	
۲,۳۵	۵,۷۸	رضایت از موفقیت‌های زندگی	

جدول (۳): ماتریس بارهای عاملی برای کیفیت ذهنی زندگی

عواملها						متغیرها
۶	۵	۴	۳	۲	۱	
					۰,۷۳	حمل و نقل عمومی
					۰,۷۳	روشنایی خیابانها
					۰,۶۹۹	پاکیزگی خیابانها
					۰,۶۹۰	جمع آوری و دفع زباله
					۰,۶۵۶	وضعیت خیابانها
					۰,۵۸۷	کیفیت آب
					۰,۵۶۸	فضای سبز و پارک ها
				۰,۷۴۷		رضایت از فرصت های شغلی
				۰,۶۷۸		رضایت از امکانات بهداشتی، درمانی
				۰,۶۶۷		رضایت از وضعیت اقتصادی
				۰,۶۳۷		رضایت از توزیع ثروت و درآمد
				۰,۶۲۹		رضایت از امکانات آموزشی
				۰,۵۳۲		رضایت از امکانات فراغتی
			۰,۷۳۷			رضایت از روابط با خویشاوندان، دوستان و همسایه ها
			۰,۶۷۲			احساس تعلق به شهر نورآباد
			۰,۶۰۲			احساس امنیت
			۰,۴۹۳			اعتماد به مردم شهر
		۰,۸۱۸				امید به آینده
		۰,۶۶۰				رضایت از موفقیت های زندگی
		۰,۵۶۴				خشنودی
	۰,۷۳۶					رضایت از وضعیت خانه
	۰,۷۰۰					رضایت از محله
	۰,۵۵۵					رضایت از سلامت
۰,۷۹۴						ترافیک خیابانها
۰,۵۳۹						آرامش و سکون
۱,۱۳۵	۱,۱۹۴	۱,۳۷۸	۱,۵۱۲	۲,۱۱۸	۸,۳۴۶	مقدار ویژه
۶,۵۶۹	۸,۳۷۹	۸,۶۹۰	۸,۶۹۱	۱۴,۸۲۶	۱۵,۵۸۱	درصد واریانس
۶۲,۷۳۵						مجموع واریانس تبیین شده(%)

Extraction Method: Principal Component Analysis  
Rotation Method: Varimax with Kaiser Normalization

می کنند از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شده است. به عبارت دیگر، با استفاده از رگرسیون چند متغیره، با روش گام به گام، میزان تاثیر متغیرهای مستقل بر کیفیت زندگی مورد بررسی قرار گرفت؛ زیرا ویژگی روش مذکور این است که در آغاز با مقایسه تمام متغیرهای مستقل، مهم ترین عامل وارد

فاکتور نخست، مهم ترین فاکتور است، که ۱۵,۵۸۱ درصد واریانس را تبیین می کند. میزان پایایی برای معرف های کیفیت ذهنی زندگی در این مطالعه ۰,۹۱ است. برای تعیین مهم ترین قلمروهای کیفیت ذهنی زندگی که واریانس رضایت از کیفیت زندگی را در شهر نورآباد تبیین

استفاده قرار گرفتند. نتایج جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که پنج عامل بهزیستی ذهنی در گام اول، محیط محلی در گام دوم، سرمایه اجتماعی در گام سوم، رضایت از امکانات در گام چهارم و توسعه کالبدی در گام پنجم به ترتیب میزان اهمیتی که در تبیین متغیر وابسته داشته‌اند، وارد معادله رگرسیونی شده‌اند و در مجموع این پنج عامل توانسته‌اند حدود ۶۳٫۵ درصد تغییرات کیفیت زندگی را در شهر نورآباد تبیین کنند.

معادله شده و به عنوان مهم‌ترین عامل و عاملی که بیشترین قدرت تبیین متغیر وابسته را دارد، در نظر گرفته می‌شود. این روند هم‌چنان در گام‌های دیگر تکرار می‌شود تا وقتی که هیچ متغیر مستقلی توانایی ورود به معادله‌ی رگرسیون را نداشته باشد. کیفیت زندگی منطقی به عنوان متغیر وابسته و شش عامل کیفیت ذهنی زندگی شامل توسعه کالبدی، رضایت از امکانات، سرمایه اجتماعی، بهزیستی ذهنی، محیط محلی و آرامش شهری به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌ها مورد

جدول (۴): پیش‌بینی‌کننده‌های کیفیت زندگی در شهر نورآباد

معناداری	t	Beta	R <sup>2</sup> تعدیل یافته	R <sup>2</sup>	پیش‌بینی‌کننده‌ها
۰٫۰۰	۱۸٫۳۶	۰٫۵۹۲	۰٫۳۴۹	۰٫۳۵۱	بهزیستی ذهنی
۰٫۰۰	۱۳٫۲۱	۰٫۴۲۶	۰٫۱۸۱	۰٫۱۸۱	محیط محلی
۰٫۰۰	۶٫۴۴	۰٫۲۰۸	۰٫۰۴۲	۰٫۰۴۳	سرمایه اجتماعی
۰٫۰۰	۶٫۳۴	۰٫۲۰۵	۰٫۰۴۱	۰٫۰۴۲	رضایت از امکانات
۰٫۰۰	۴٫۶۸	۰٫۱۵۱	۰٫۰۲۲	۰٫۰۲۳	توسعه کالبدی

معناداری ۰٫۰۵، انتخاب شده است. آزمون T نیز برای مقایسه امتیاز کیفیت ذهنی زندگی دو طبقه‌ای (مثل جنسیت) استفاده شده است. جدول شماره ۵ آزمون تفاوت میانگین کیفیت زندگی را بر حسب وضعیت مسکن، درآمد، تحصیلات، شغل و سن افراد نمونه را نشان می‌دهد.

به طور کلی، نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که سطح تحصیلات، وضعیت مالکیت مسکن، درآمد خانوار، وضعیت شغلی و سن به طور معناداری کیفیت زندگی را در شهر نورآباد تحت تاثیر قرار می‌دهند. افراد با درآمد و تحصیلات بالاتر، دارای شغل و مسکن کیفیت زندگی بالاتری دارند. با این وجود جنسیت، بعد خانوار و تعداد اتاق تاثیر معناداری بر کیفیت زندگی پاسخگویان در شهر نورآباد ندارند.

#### ۴-۶- تاثیر خصوصیات فردی، اجتماعی - اقتصادی و جمعیتی بر کیفیت زندگی

کیفیت ذهنی زندگی افراد می‌تواند متأثر از فاکتورهای فردی، اجتماعی - اقتصادی و جمعیت شناختی باشد. در این راستا آنالیز واریانس یک طرفه و آزمون T برای مقایسه تغییرات کیفیت ذهنی زندگی پاسخگویان در طبقات مختلف بکار گرفته شده است. این مسئله به تشخیص معناداری آماری تغییرات کیفیت ذهنی زندگی با خصوصیات شخصی، اجتماعی - اقتصادی و جمعیت شناختی پاسخگویان کمک می‌کند.

در اینجا فرض صفر این است که امتیاز میانگین پاسخگویان در طبقات مختلف برابر است. زمانی از آزمون آنالیز واریانس یک طرفه استفاده شده که امتیاز کیفیت ذهنی زندگی بیش از دو طبقه مقایسه شده‌اند. برای آنالیز واریانس یک طرفه، سطح

جدول (۵): آزمون تفاوت میانگین کیفیت زندگی بر حسب وضعیت مسکن، درآمد، تحصیلات، شغل و سن (n=۳۵۲)

نام متغیر	نام مقوله	فراوانی	میانگین	مقدار F	سطح معناداری
مالکیت مسکن	مالک	۲۸۰	۶,۲۴	۴,۹۳۴	۰,۰۰۸
	مستاجر	۶۶	۵,۱۷		
	سایر	۶	۴,۳۳		
میزان درآمد	کمتر از ۲۰۰ هزار تومان	۷۰	۴,۷۷	۶,۴۶	۰,۰۰۰
	۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان	۱۱۰	۵,۱۷		
	۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان	۴۸	۵,۳۶		
	۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان	۷۰	۵,۳۷		
	بالاتر از ۵۰۰ هزار تومان	۵۴	۶,۴۵		
میزان تحصیلات	بیسواد	۳۸	۴,۶	۲,۶۸	۰,۰۱
	ابتدایی	۴۲	۴,۶۶		
	راهنمایی	۱۶	۴,۹۸		
	دبیرستان	۱۸۰	۵,۲۵		
	دیپلم	۲۴	۵,۷۵		
	فوق دیپلم	۱۶	۶,۱۵		
	لیسانس	۳۰	۶,۱۹		
	فوق لیسانس و بالاتر	۶	۶,۶۲		
وضعیت شغلی	بیکار در جستجوی اولین کار	۸	۵,۴۷	۴,۲۴۸	۰,۰۰۱
	بیکار در جستجوی کار جدید	۲۴	۴,۸		
	دانشجو یا دانش آموز	۱۶۸	۵,۱		
	خانه دار	۱۶	۶,۵		
	بازنشسته	۶	۵,۳۳		
	شاغل	۱۳۰	۶,۲		
سن	۱۸ تا ۲۴ سال	۱۲۸	۵,۱	۳,۴۶۴	۰,۰۰۹
	۲۵ تا ۳۴ سال	۴۴	۵,۹		
	۳۵ تا ۴۹ سال	۱۱۲	۵,۶		
	۵۰ تا ۶۴ سال	۶۴	۵,۳		
	بالای ۶۵ سال	۴	۳,۵		

## ۷- جمع بندی و نتیجه گیری

کیفیت زندگی، توسعه شاخص‌های کیفیت زندگی است. در بسیاری از کشورها مجموعه‌های از شاخص‌ها برای سنجش و پایش کیفیت زندگی در سطوح ملی، منطقه‌ای، شهری و محلی ایجاد شده است. با در نظر گرفتن مقیاس ملی، منطقه‌ای، شهری و یا محلی، هر مطالعه ایده‌آل کیفیت زندگی شامل دو مرحله اساسی است. مرحله اول، در برگیرنده مبنای نظری مطالعه از طریق تعیین قلمروها و شاخص‌های کیفیت زندگی است. این مرحله عمدتاً مرحله تعیین معیارها است و

نقطه شروع توسعه اجتماعات انسانی شکل گرفتن درک درستی از نیازهای مردم و پس از آن پایش دستاوردهای توسعه است. سنجش کیفیت زندگی ابزار مناسبی برای چنین درکی عرضه می‌کند، زیرا مطالعه کیفیت زندگی راهی بین مسولان محلی و شهروندان برای تعاملی سازنده که منجر به تفسیر و بحث در مورد موضوعات کلیدی موثر بر زندگی مردم می‌شود، باز می‌کند. معمول‌ترین شیوه برای سنجش

بین این دو کران بالا و پایین را اظهار کرده اند. علاوه بر این، نتایج بدست آمده نشان می‌دهند که خروجی مطالعه کیفیت زندگی می‌تواند براساس اینکه پاسخ شهودی یا منطقی برای سنجش کیفیت ذهنی زندگی بکار رفته، متفاوت باشند.

نتایج مربوط به رضایت از قلمروهای سه گانه محیط فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی در شهر نورآباد نشان می‌دهد که پایین‌ترین میزان رضایت مربوط به رضایت از فرصت‌های شغلی است و به دنبال آن رضایت از توزیع درآمد و ثروت، رضایت از امکانات تفریحی و رضایت از وضعیت اقتصادی دارای کمترین ارزش میانگین می‌باشند. بنابراین می‌توان به طور آشکاری ضعف محیط اقتصادی شهر نورآباد را مشاهده کرد. نتایج بدست آمده از تحلیل سوالات باز این مطالعه نیز نشان می‌دهد که بیکاری مشکل اساسی این شهر می‌باشد که منجر به شکل‌گیری مشکلات اجتماعی عدیده ای از قبیل اعتیاد به مواد مخدر در میان جوانان شده است. ضعف زیر ساخت‌ها و امکانات عمومی نیز بسیار چشم گیر است.

در سطح شهر نورآباد، شش بعد کیفیت ذهنی زندگی شامل توسعه کالبدی، رضایت از امکانات، سرمایه اجتماعی، بهزیستی ذهنی، محیط محلی و آرامش شهری شناسایی شده است. هم چنین، مدل ساده‌ای از کیفیت ذهنی زندگی با استفاده از تحلیل رگرسیون گام به گام ایجاد شده است. این مدل که کیفیت زندگی منطقی، متغیر وابسته و فاکتورهای کیفیت ذهنی زندگی مستخرج از تحلیل عاملی متغیرهای مستقل آن می‌باشند، ۶۳٫۵ درصد واریانس کیفیت زندگی منطقی در شهر نورآباد را تبیین می‌کند. این مدل می‌تواند در مطالعات آینده کیفیت زندگی در شهر نورآباد بکار رود.

دانستن اینکه کدام یک از خصوصیات پاسخگویان تاثیر معناداری بر کیفیت زندگی در شهر نورآباد دارند، مهم است. آنالیز واریانس یک طرفه و t-test برای مقایسه امتیاز میانگین کیفیت ذهنی زندگی پاسخگویان در طبقات مختلف محاسبه شده است. فهمیده شد، که تفاوت آماری معناداری در کیفیت زندگی پاسخگویان با سطوح مختلف سطح تحصیلات،

منتج به تهیه پرسش نامه می‌شود. مرحله دوم، مرحله‌ای است در آن انجام پیمایش، جمع آوری داده‌ها و تحلیل نتایج صورت می‌گیرد. این مرحله منتج به بحث و نتیجه‌گیری در مورد کیفیت زندگی در ناحیه مورد مطالعه می‌شود.

در فاز اول این مطالعه، از دو رویکرد حرفه‌ای (بالا به پایین) و مشارکتی (پایین به بالا) برای توسعه قلمروها و شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر نورآباد استفاده شده است. رویکرد بالا به پایین مبتنی بر نظرات متخصصان حوزه‌های مختلف، اطلاعات حاصل از مرور ادبیات مربوطه و مطالعات موردی است. رویکرد مشارکتی برای توسعه شاخص‌های کیفیت زندگی فرایندی باز و پیوند یافته با نظرات ساکنین محلی را ارائه می‌کند. این رویکرد در تلاش برای درک اجتماع از طریق چشمان اعضای جامعه و تمرکز توجه بر اولویت‌های مردم است. بنابراین، مردم به طور موثری در توسعه قلمروها و شاخص‌های کیفیت زندگی، تعیین اولویت‌ها و تاثیر گذاری بر تصمیماتی که زندگی آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد، مشارکت دارند. با این فرض که این دو رویکرد مکمل یکدیگر در توسعه شاخص‌های کیفیت زندگی می‌باشند، به منظور توسعه شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر نورآباد هر دو رویکرد مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در حالیکه رویکرد حرفه‌ای مجموعه اولیه قلمروها و شاخص‌ها را پیشنهاد کرده است، رویکرد مشارکتی برای بررسی تناسب مجموعه اولیه قلمروها و شاخص‌ها و توسعه قلمروها و شاخص‌های نهایی برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی در تعامل با نظرات شهروندان محلی مورد استفاده قرار گرفته است.

کیفیت ذهنی زندگی بر حسب پاسخ شهودی و منطقی افراد اندازه‌گیری شده است. میانگین امتیازات پاسخ شهودی و منطقی پاسخگویان نشان می‌دهد که حدود یک سوم افراد از کیفیت زندگیشان ناراضی هستند. بر حسب پاسخ منطقی، حدود ۹٫۷ درصد پاسخگویان از کیفیت زندگی خود به طور کامل راضی و حدود ۳٫۲ درصد به طور کامل ناراضی هستند. همچنین ۸۷٫۱ درصد باقیمانده پاسخگویان نیز میزان رضایتی

## منابع و مآخذ:

- ۱- باری یر، جولین، (۱۳۶۳)، اقتصاد ایران: ۱۹۷۰-۱۹۰۰ (ترجمه تقوی و دیگران)، تهران، مرکز تحقیقات حسابداری و حسابرسی.
- ۲- حاتمی نژاد، حسین، عدالت اجتماعی و شهر: ناهمگونی فضایی محلات شهر مشهد، پایان نامه دوره دکتری جغرافیا گرایش برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹.
- ۳- رضوانی، محمدرضا، شکیبا، علیرضا، منصوریان، حسین، ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۰ و ۳۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.
- ۴- رضوانی، محمد رضا، منصوریان، حسین، سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها و مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۷.
- ۵- رضوانی، محمد رضا، منصوریان، حسین، احمدی، فاطمه، ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال ۱، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹.
- ۶- شریفی، عبدالنبی، عدالت اجتماعی و شهر: تحلیلی بر نابرابری‌های منطقه‌ای در شهر اهواز، پایان نامه دوره دکتری جغرافیا گرایش برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- ۷- گروسی، سعیده، نقوی، علی، ۱۳۸۷، سرمایه‌ی اجتماعی و کیفیت زندگی در شهر کرمان، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۰ و ۳۱.
- ۸- مرصوص، نفیسه، تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر تهران، پایان نامه دوره دکتری جغرافیا گرایش برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲.
- ۹- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سالهای (۸۵-۱۳۵۵). قابل دسترسی در: <http://www.sci.org.ir/portal/faces/public/census85/census85.natayej> (October)
- ۱۰- منصوریان، حسین، سنجش کیفیت مکان‌های شهری با استفاده از تکنیک‌های سنجش از دور و GIS: مورد مطالعه شهر تهران، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد GIS و سنجش از دور، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹.

مالکیت مسکن، درآمد، وضعیت شغلی و سن وجود دارد. به طور کلی، کیفیت زندگی با افزایش میزان تحصیلات، درآمد خانوار، مالکیت مسکن و شاغل بودن افزایش می‌یابد.

## ۸- پیشنهادها

به طور کلی باید گفت که برنامه‌ریزی توسعه در شهر نورآباد باید هدفمند بوده و متناسب با میزان دسترسی به منابع محلی و نیازهای عینی و ذهنی مردم انجام شود، تا بتواند به بهبود کیفیت زندگی آنها کمک کند. در این راستاء انجام مطالعات جامعی در مورد منابع مادی و انسانی موجود در ناحیه، تدوین شیوه‌های بهره‌برداری از این منابع برای توسعه جامعه محلی با بکارگیری امکانات مختلف، جهت گیری برنامه‌های توسعه به سمت تحول اقتصادی و رفع مشکل بیکاری و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، استفاده از مدیران متخصص در بخش‌های اقتصادی، جذب سرمایه‌گذارهای صنعتی و کشاورزی در جهت استفاده از نیروی کار فوق العاده جوان، تعیین برنامه زمانی کوتاه مدت و بلند مدت به منظور بهبود کیفیت زندگی ساکنین و اتخاذ اقدامات لازم برای رسیدن به اهداف مورد نظر پیشنهاد می‌گردد. علاوه بر این، نتایج، یافته‌ها و رویکردهای این مطالعه می‌تواند برای طراحی مطالعات آینده کیفیت زندگی شهری در ایران مفید باشد.

## پی‌نوشت:

- 1- Liu
- 2- Moller
- 3- Das
- 4- Diener
- 5- Naess
- 6- Foo
- 7- Costanza et al
- 8- Pacione
- 9- Kaiser-Meyer-Olkin

- of remote sensing and census data, International Journal of Remote Sensing, NO. 28(2).
- 19- McCrea, R., Shyy, T.-K. and Stimson, R., 2006, What is the Strength of the Link Between Objective and Subjective Indicators of Urban Quality of Life?, Applied Research in Quality of Life, NO. 1(1).
- 20- Pacione, M., 2003, Urban environmental quality and human wellbeing- a social geographical perspective, Landscape and Urban Planning, NO. 65(1-2).
- 21- R. Epley, Donald and Menon, Mohan. 2008, A Method of Assembling Cross-sectional Indicators into a Community Quality of Life, Social Indicators Research, NO. 88.
- 22- Rojas, M., 2008, Experienced Poverty and Income Poverty in Mexico: A Subjective Well-Being Approach, World Development, NO. 36(6).
- 23- Santos, L. and Martins, I., 2007, Monitoring Urban Quality of Life: The Porto experience, Social Indicators Research, NO. 80.
- 24- United Nations Population fund, 2007, State of World Population 2007, Unlashing the Potential of Urban Growth, New York, UNFPA.
- 25- Zebardast, E., 2009, the housing domain of quality of life and life satisfaction in the spontaneous settlements on the Tehran metropolitan fringe, Social Indicators Research, NO. 90.
- 11- Brereton, F., Clinch, J.P. and Ferreira, S., 2008, Happiness, geography and the environment, Ecological Economics, NO.65 (2).
- 12- Costanza, R. 2007, Quality of life: An approach integrating opportunities, human needs, and subjective well-being, Ecological Economics, NO. 61(2-3).
- 13- Das, D., 2008, Urban Quality of Life: A case study of Guwahati, Social Indicators Research, NO. 88.
- 14- Foo, T.S., 2000, Subjective assessment of urban quality of life in Singapore (1997- 1998), Habitat International, NO. 24(1).
- 15- Ibrahim, M. and Chung, W., 2003, Quality of life of residents living near industrial estates in Singapore, Social Indicators Research, NO. 61.
- 16- Kamp, I., K, Van, Leidelmeijer, K., Marsman, G. and de Hollander, A., 2003, Urban environmental quality and human well-being: Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study, Landscape and Urban Planning, NO. 65(1-2).
- 17- Lee, Y.-J., 2008, Subjective quality of life measurement in Taipei, Building and Environment, NO. 43(7).
- 18- Li, G. and Weng, Q., 2007, Measuring the quality of life in city of Indianapolis by integration